

لحظه‌ای فراموش نکنیم!

تجربه و خاطرات حضور در مراسم اربعین سیدالشهدا علیه السلام و پیاده روی ها و سختی ها و شیرینی ها و حال و هوای افراد در این ایام گاهی خیلی مشابه یکدیگر است. من هم مثل همه خاطراتی از جنس اربعین و پیاده روی دارم.

پاهایم تاول زده بود و راه رفتن را برایم خیلی سخت می کرد و هر قدم که بر می داشتم این تاول ها بیشتر می شد و راه رفتن را سخت تر. چند روزی هم بود غذای درست و حسایی نخورده بودم، شب هم موقع خواب در داخل موکب های بین راه، به خاطر زیاد بودن جمعیت مجبور بودیم فشرده بخوابیم.

ولی تمام این سختی ها، دلنشین و لذت بخش بود. تنها چیزی که باعث می شد این سختی ها شیرین و به یادماندنی شود، این حس بود که من هم دعوت شده‌ام! من هم دعوت شده ی سیدالشهدا هستم که الان دارم در این مسیر قدم بر می دارم و هر چه آستان محبوبم را به خود نزدیکتر می دیدم با هر قدم شوقم زیاد تر میشد. آقایی که مادرم با اشک بر مظلومیتش بزرگم کرد، پدرم بذر محبت او رو از ابتدای زندگی روی فرش روضه ها در دلم کاشت و آرزویم شد خدمت او به نیت یک نگاهش و حالا که می بینم من هم کنار این جمعیت دعوت شده‌ام، لذت این نگاه مهربان را با هر قدمی که بر می دارم حس می کنم.

در دیار محبت شرط عاشقی اینست که آرزوی محبوبت شود آرزوی

تو، دلخوشی او شود دلخوشی تو، نگرانی او شود نگرانی تو و محبوب او شود محبوب تو.

خوبست که یادمان باشد آن عزیزی که به شوقش هر ساله رنج سفر به جان می خریم و برای یک نگاه پر مهرش جان می دهیم، دل نگران است! دل نگران فرزندش! فرزند حسین علیه السلام همان صاحب عزا و صاحب مجلس اربعین پدر است. فرزندى که امام حسین علیه السلام هم آرزوی درک دورانش را داشت، چرا که این گونه فرمودند: "لَوْ أَدْرَكْتَهُ لَخَدَمْتَهُ أَيَّامَ حَيَاتِي"

یعنی؛ درک ایامی که من و تو در آن نفس می کشیم، درک کسی که امام حسین علیه السلام آرزوی خدمت به او را داشت. درک ایام کسی که امام حسین علیه السلام دل نگران صاحب آن است. درک دوران فرزندش مهدی!

حال که من و تو در این زمان قرار داریم! چه کنیم؟! چه کنیم که شرط محبت رو بجا آورده باشیم؟ چه کنیم که کمی از دل نگرانی امام حسین علیه السلام را از غربت و تنهایی فرزندشان بر طرف کنیم؟ اگر این پدر از تنهایی فرزندش نگران است، بیاییم امام زمانمان را تنها نگذاریم! بیاییم با دعا کردن برای او خدمتی به او کنیم، بیاییم او را لحظه‌ای فراموش نکنیم و قدردانیمان را از دعوت شدن در اربعین امام حسین علیه السلام را با دعای بر فرجش به او نشان دهیم.

به امید ظهورش، عَجَل لولیک الفرج

زمانش فرار سید!

خدا رو شکر... داریم جایی قدم بر می داریم که به خاطرش هر چه داریم رها می کنیم... خانواده، همسر، فرزند، خانه، کار و... همه را رها می کنیم، سختی و خستگی راه را به جان می خریم به شوق کربلا!

این سفر همه چیزش بی نظیر است. فرصت هایی در این زیارت نصیب زائرین می شود که شاید تجربه اش برایشان تکرار نشدنی باشد. تجربه ی حسِ خوبِ همدلی و هم زبانی و همنشینی با جمعیتی که همه به شوق یک نگاه مهربان به راه افتاده اند.

تجربه ی قدم برداشتن بر بال فرشتگان، تجربه راه رفتن بر روی خاکی که هر قدمش باری از روی دوش بر می دارد و بابتی از لطف الهی باز می کند.

تجربه زیبای پاک شدن و سبک شدن از عمری بار سنگین گناه و تاریکی قلب ها ...

چه جایگاهی بهتر از این بیابان ها برای صدا کردن خداوند؟! این قلب سبک شده، آماده ی طلب کردن از درگاه الهی است و شاید فرصتی است که خدا برایمان مهیا کرده که بالاترین نعمتش را از او طلب کنیم!



همه چیز آماده است که اطاعت کنیم فرمایش حضرت صادق علیه السلام را که فرمودند: تا سر به بیابان نگذارید و تضرع و زاری به درگاه الهی نکنید، خداوند ظهور را محقق نمی کند.

و این دقیقاً همان حادثه ایست که برای بنی اسرائیل اتفاق افتاد. بنی اسرائیل هم وقتی که متوجه بدبختی و غیبت پیامبرشان شدند، چهل صباح، دسته جمعی به درگاه خداوند التماس کردند تا موسی موعودشان از راه رسید.

بالاترین نعمت همان است که قوم بنی اسرائیل به خاطرش خدا را با تضرع صدا زد، که ما هم بدانیم برای بهره از نعمت لذت زندگی در زمان ظهور امام زمانمان باید خدا را همانگونه صدا بزنیم.

همه چیز مهیاست تا دسته جمعی دعا کنیم برای فرجش... برای ظهورش و برای سلامتی اش.

حضور در میان زائرین سیدالشهدا و از بین رفتن گناهان و آماده شدن برای طلب کردن از خدا، نعمتی است که بی منت به ما داده اند و مصداق شکر این نعمت، بهره بردن از این فرصت بی مثال است.

پس شبها در موکبها، روزها در مسیر پیاده روی و داخل حرم و هر جای دیگر این فرصت استثنایی را نباید از دست داد که ظهور امام غائب را از خداوند بخواهیم، نفس کشیدن در دوران ظهورش را طلب کنیم که بالاترین نعمت جز این نیست.

بخوان دعای فرج را، دعا اثر دارد!